

# DEAR MY HORROR

AOISEKAI

*Uploader*

*Luffy*

*Translator*

*Allen*

*Editor*

*Reverie & Hadis*

*Director*

*Medusa*

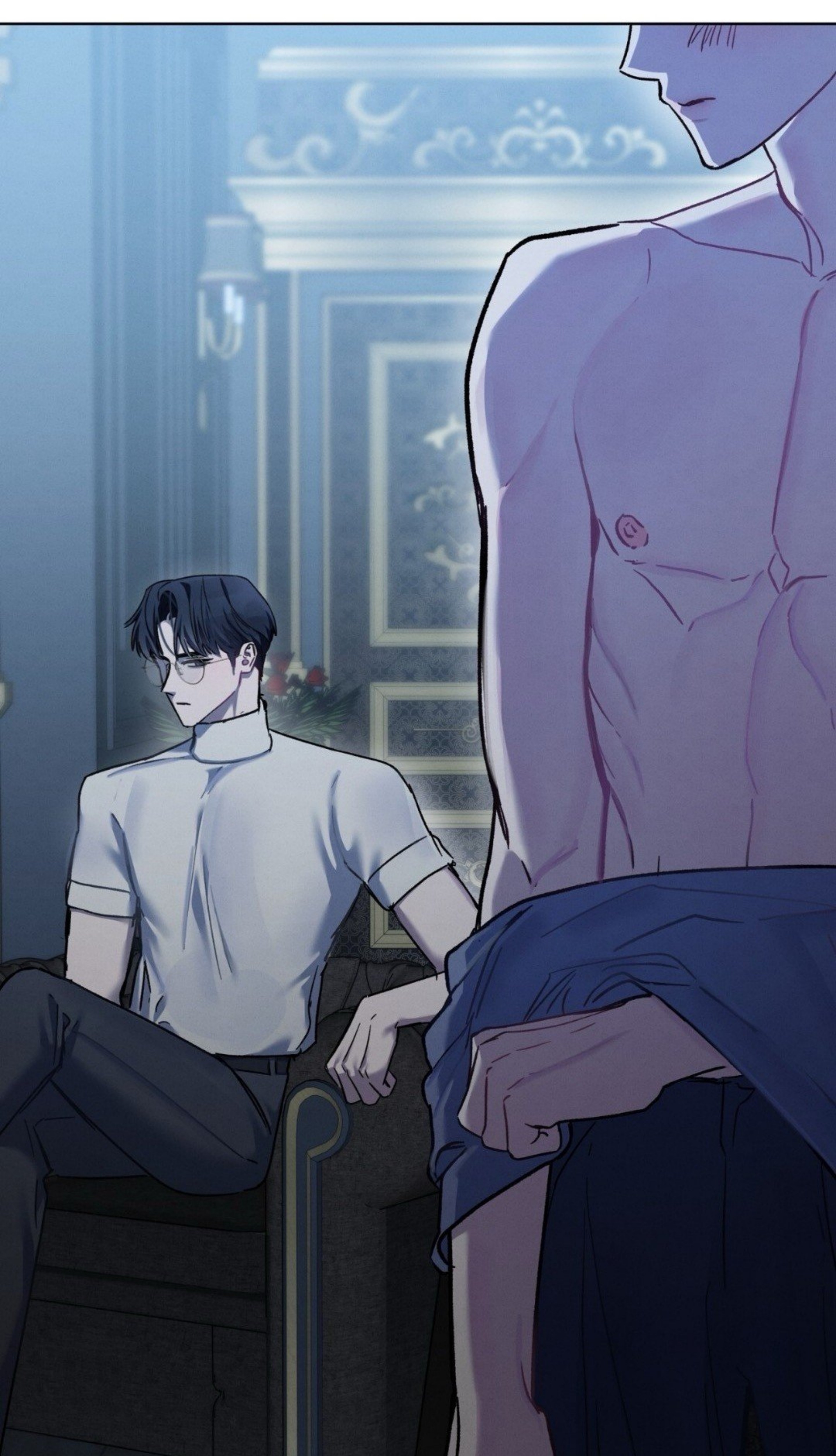




چ-چیه؟



چرا این جور  
خیره شده...؟





تو داری بهم  
نخ میدی؟



چی؟

하  
뽕



.....!



چی؟! ازکی  
تا حالا تو این حالت  
بوده؟!!



دلپستی شیطان

کی می دونست  
قراره اینجوری بشه؟

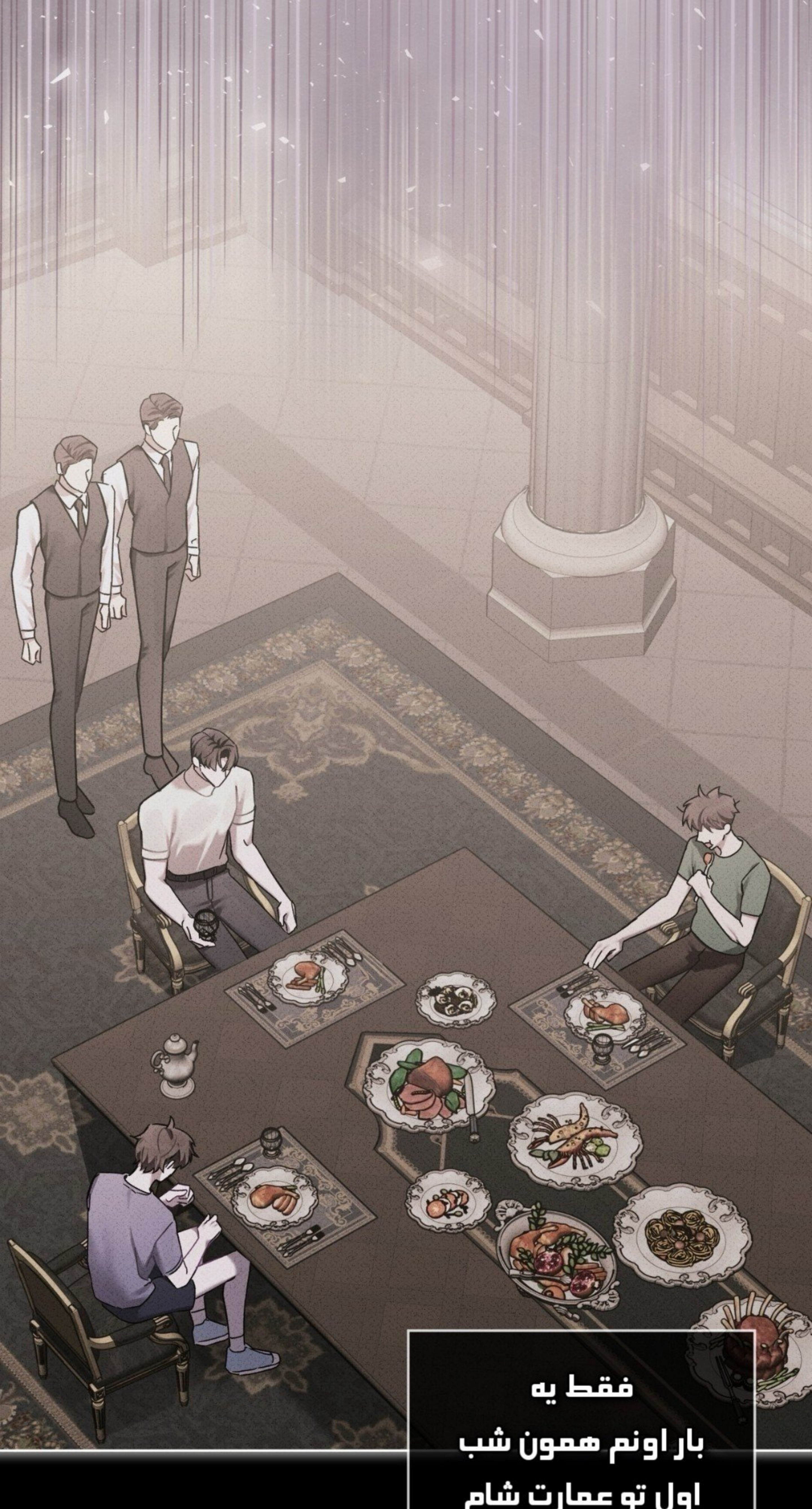


اهه... دیگه  
نون های فروشگاه هم  
دلمو زده...



از وقتی تو عمارت  
مو جونگ هو زندگی  
می‌کنم،

عادت کردم  
که بعد از مدرسه غدامو  
توی این فروشگاه کوچک  
بخورم و با همون سر  
کنم.



فقط به  
بار اونم همون شب  
اول تو عمارت شام  
خوردم.

اینکه یکی موقع  
غذا خوردن واست چپ و  
راست بشه خیلی معذب  
کننده‌ست...




کاسه رو بیا تونج  
عوفی می‌کنم.

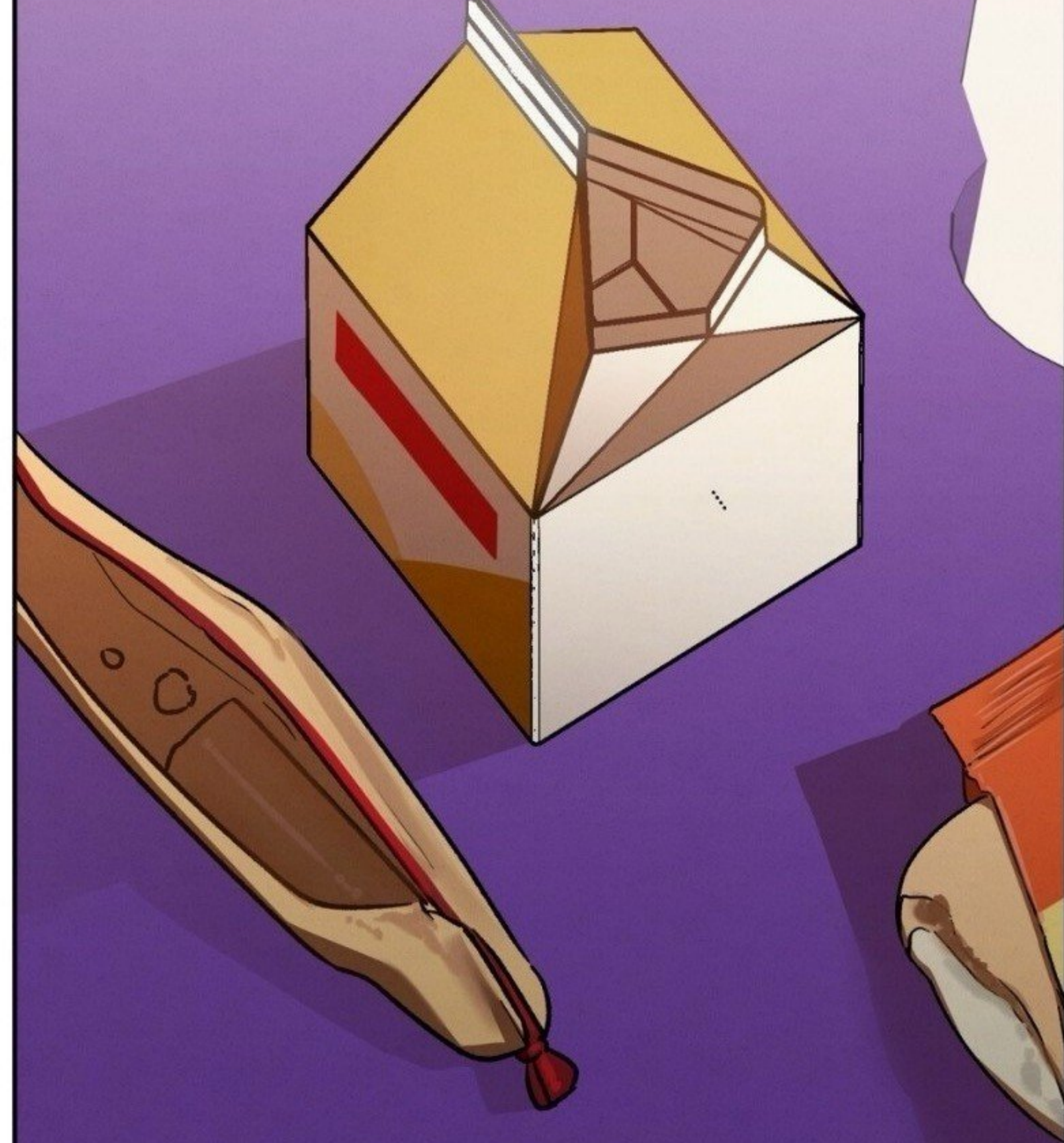
چیزیکه ای  
نیازدارین؟

چون فکر  
می‌کردم که همه چیز  
تحت کنترل مو جونگ هوئه  
عصابم رو خط خطی  
کرده بود.





**اینا غذاهای  
مورد علاقمه.**



**ولی چندین  
روزه که به جای شام  
همینارو میخورم و دیگه  
حالمو بهم زده...**

**ولی نمی خوام تو اون  
خونه شام بخورم...**

365  
DON PLUS  
24시간  
급식통지급기

하아...



نه فقط غذا خوردن،  
بلکه همه چیز اونجا سنگین و  
طاقت فرساست.

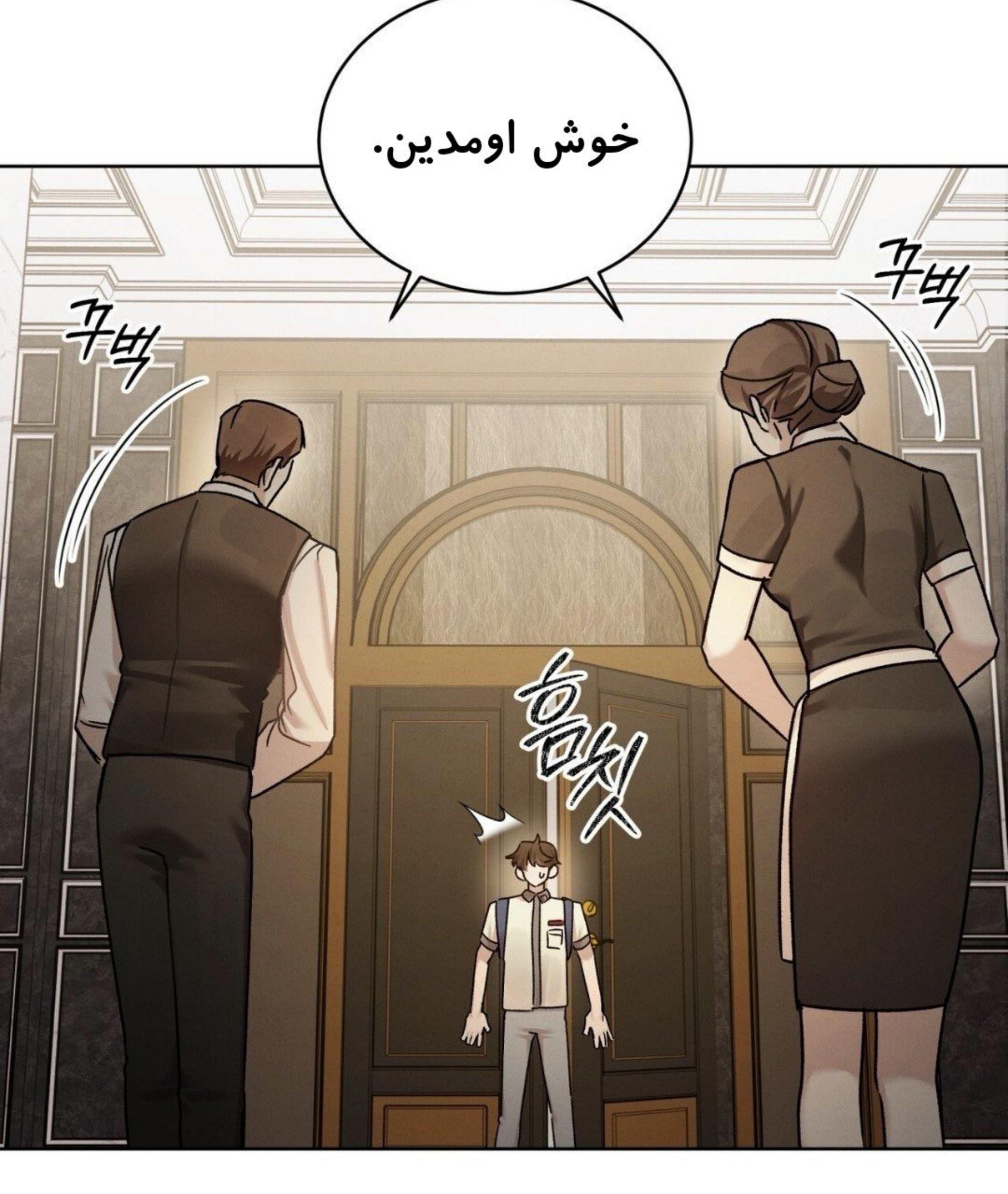


کاری از تیم  
ترجمه و ادیت آنوبی سکای  
مارو فقط در کانال تلگرامی  
@AoiSekai  
دنبال کنید

گی  
ای  
ای...



خوش اومدین.



اوه... سلام.



کارکنان اینجا  
هم می‌دونن که من  
یه امگای مغلوبم.

و می‌دونن که  
طوری رفتار می‌کنم  
که انگار به زور و اجبار  
گیر مو جونگ هو  
افتادم.



به خاطر این که مو  
جونگ هو منو به اینجا  
آورده بعضیا خیلی بادقت و  
حساسیت باهام رفتار  
می‌کردن،



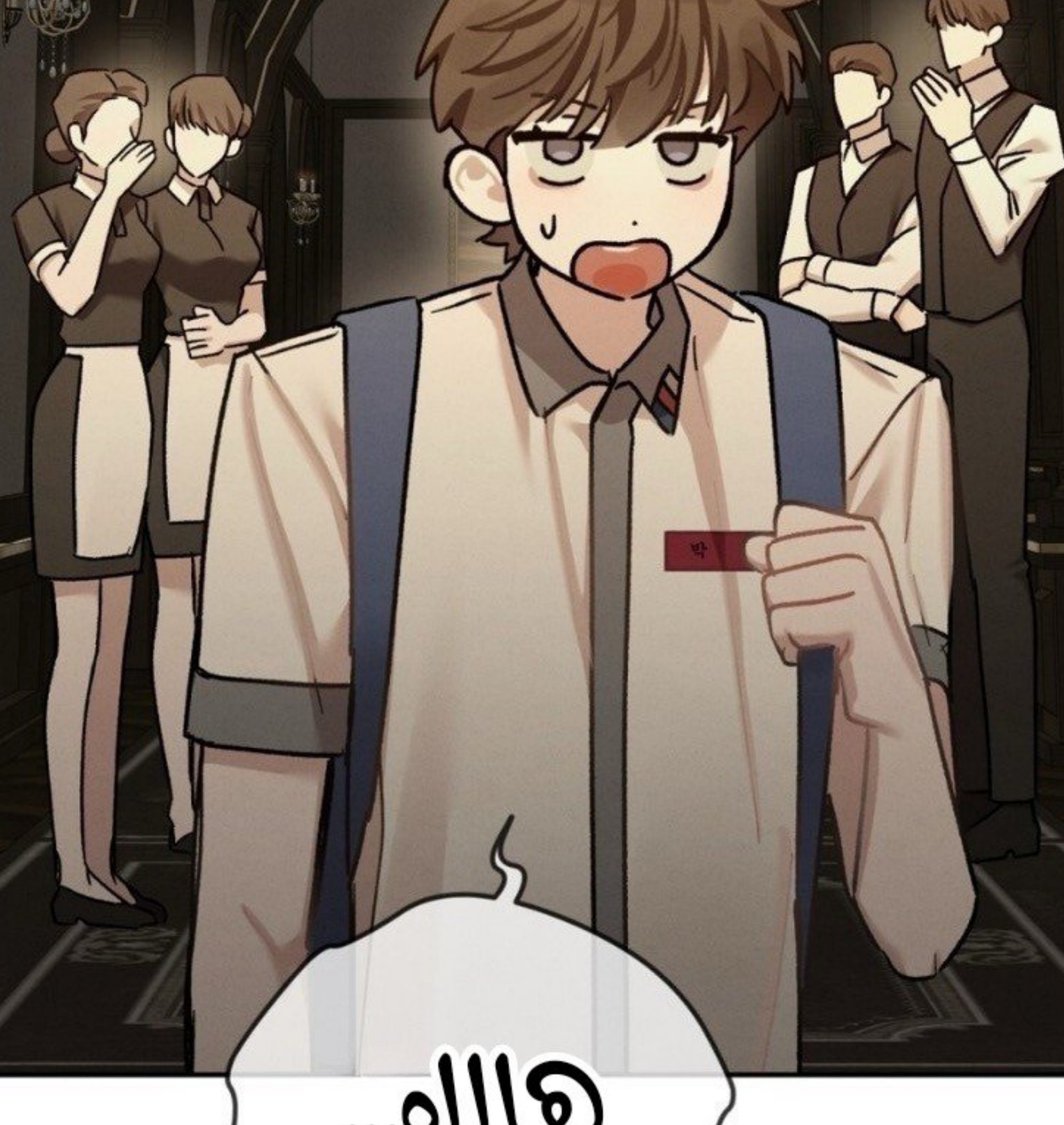
بعضیا هم  
زیرپوستی شکایت  
داشتن...



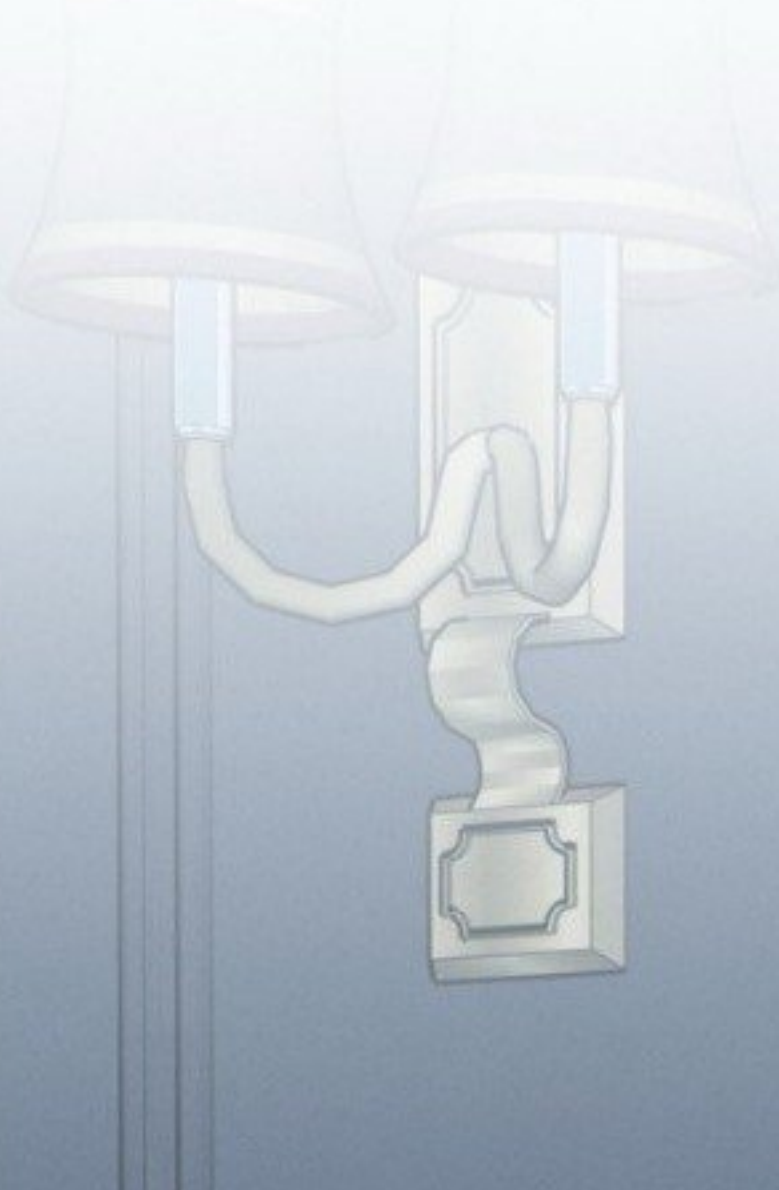
همه چی  
واسم سنگین و اذیت  
کننده ست...!

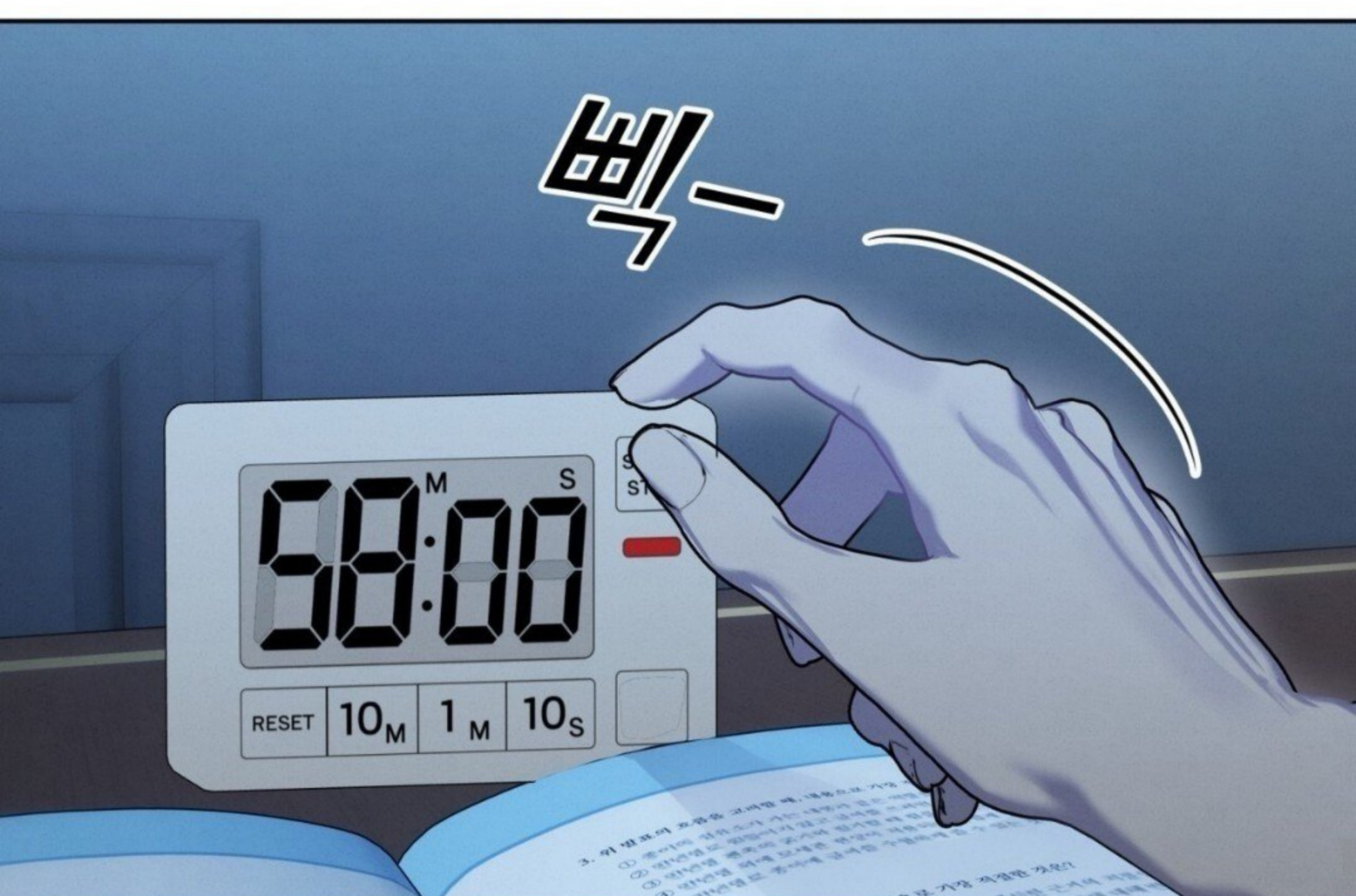
ㄱ  
ㄱ  
ㄱ

ㄱ  
ㄱ  
ㄱ



هااااه...





اما خب  
درس خوندن خیلی  
راحت تر شده.



نسبت به  
جایی که قبلاً زندگی  
می کردم...



저벅  
저벅

مو جونگ هو  
اومده؟

배고



چشم تو چشم  
نشیم.

저벅  
저벅

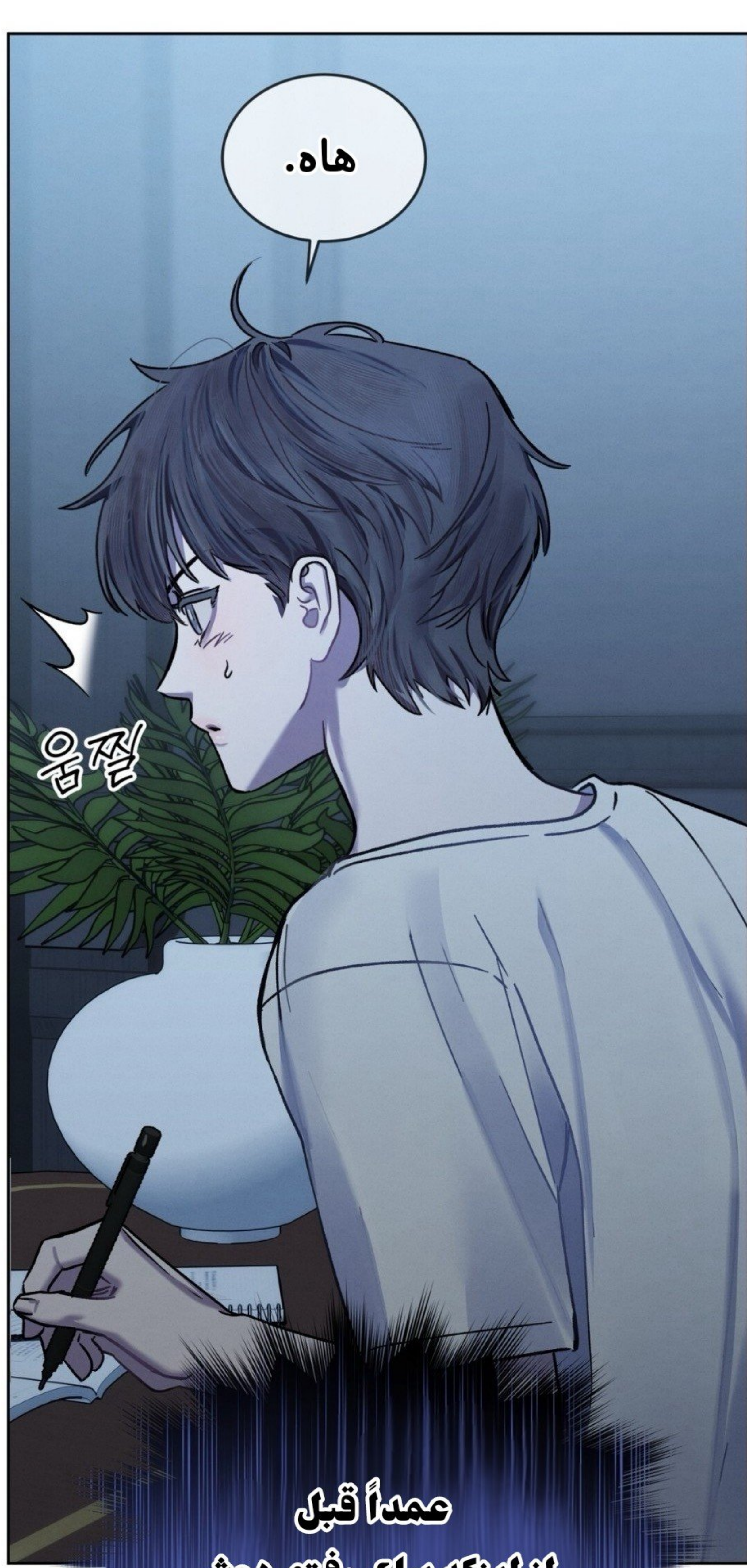
스프





زودتر  
از همیشه دوش  
گرفتی؟

گی  
ای



هاه.

음  
찜

عمداً قبل  
از اینکه بیای رفتم دوش  
گرفتم!



تو داری بهم  
نخ میدی؟

دیگه هیچوقت  
نباید همچین گندی بالا  
بیاد...!



راستی  
مثل اینکه در حمام  
شکسته.

به سختی  
تونستم پیام بیرون چون  
در باز نمی شد.



철컹  
철컹

هاه؟ چرا  
اینجوریه...

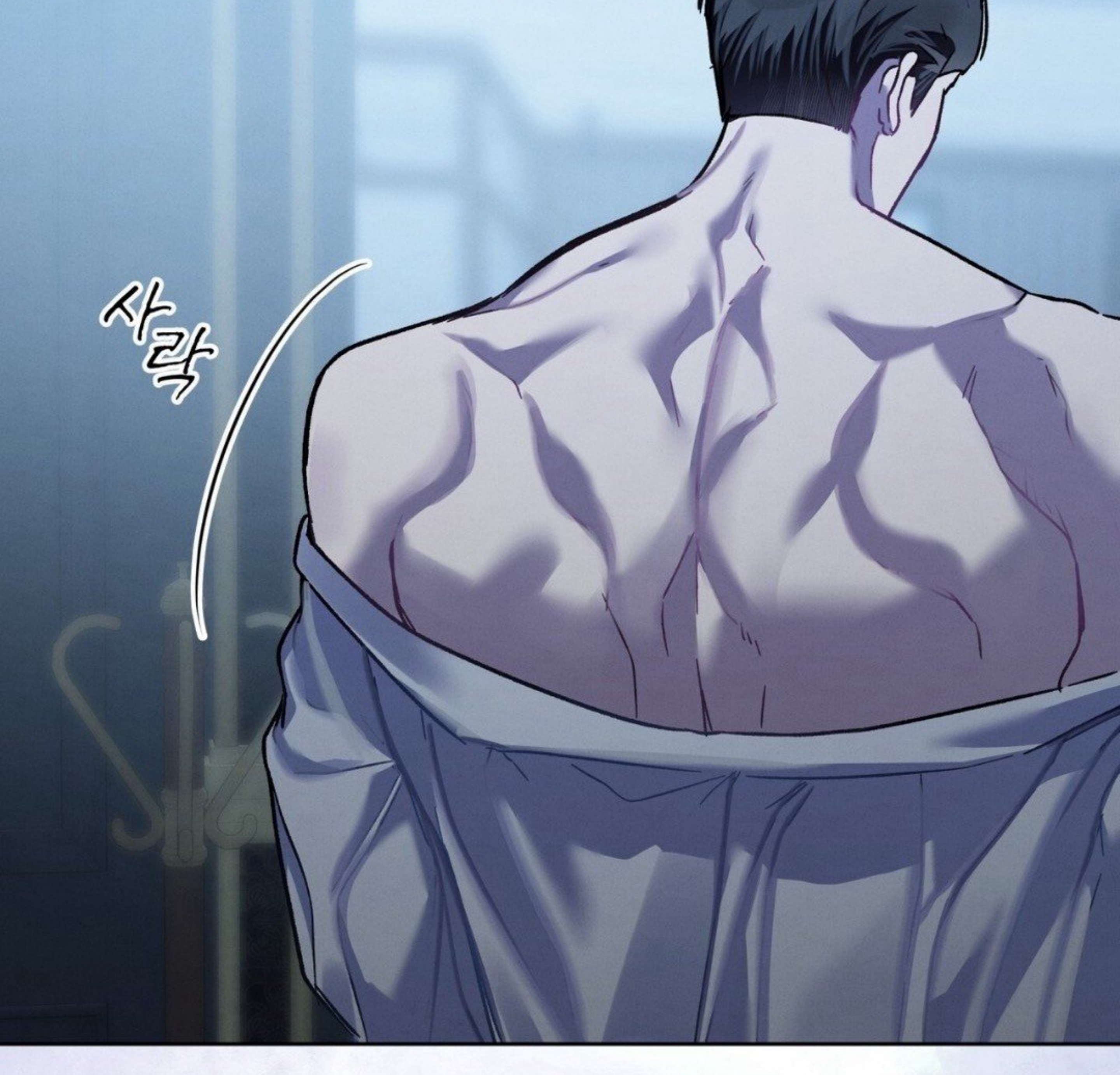
واقعاً؟

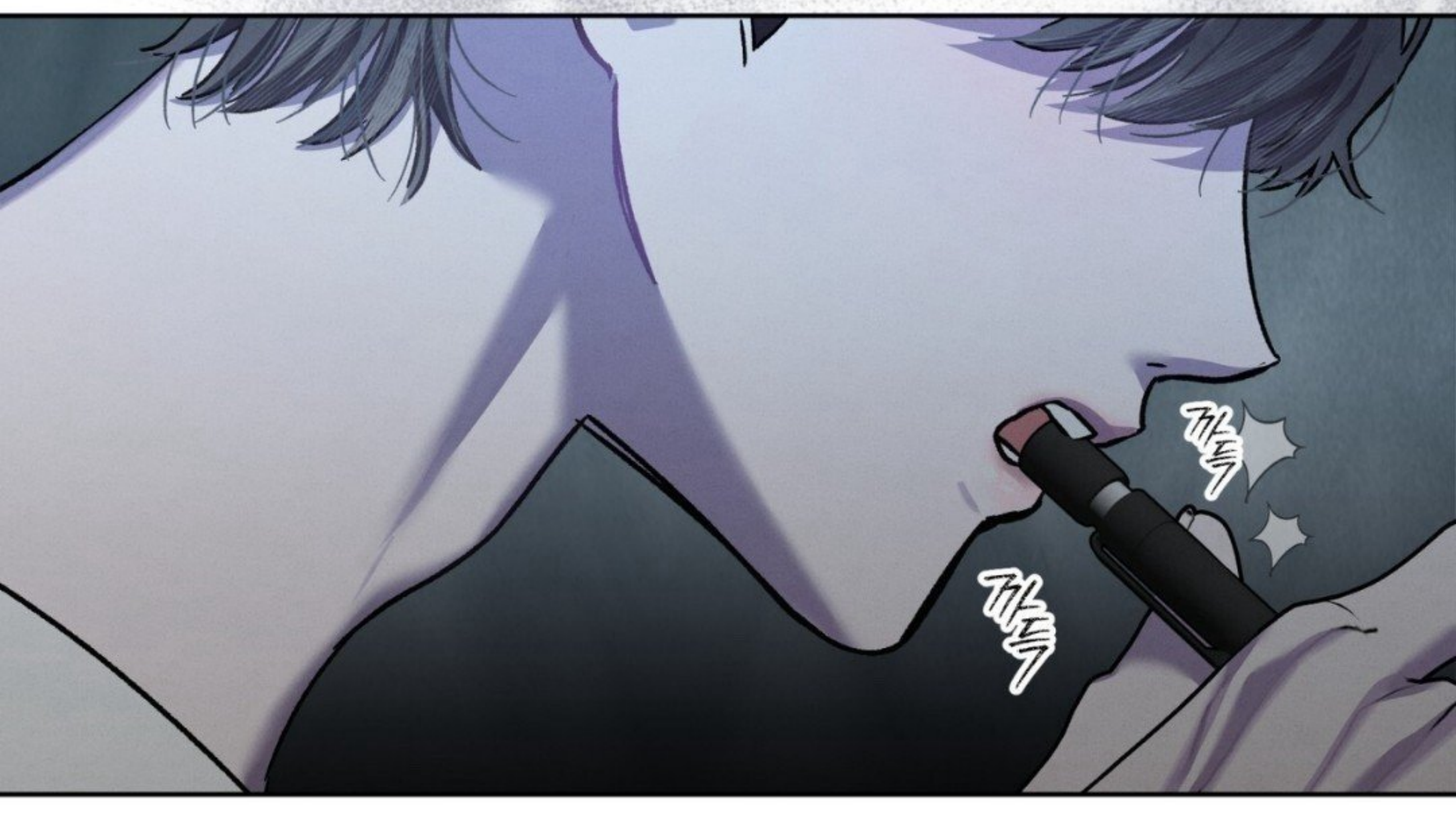


آره، واقعاً  
شکسته.

철컹  
철컹







لعنت بهش...!  
نمی تونم تمرکز کنم.



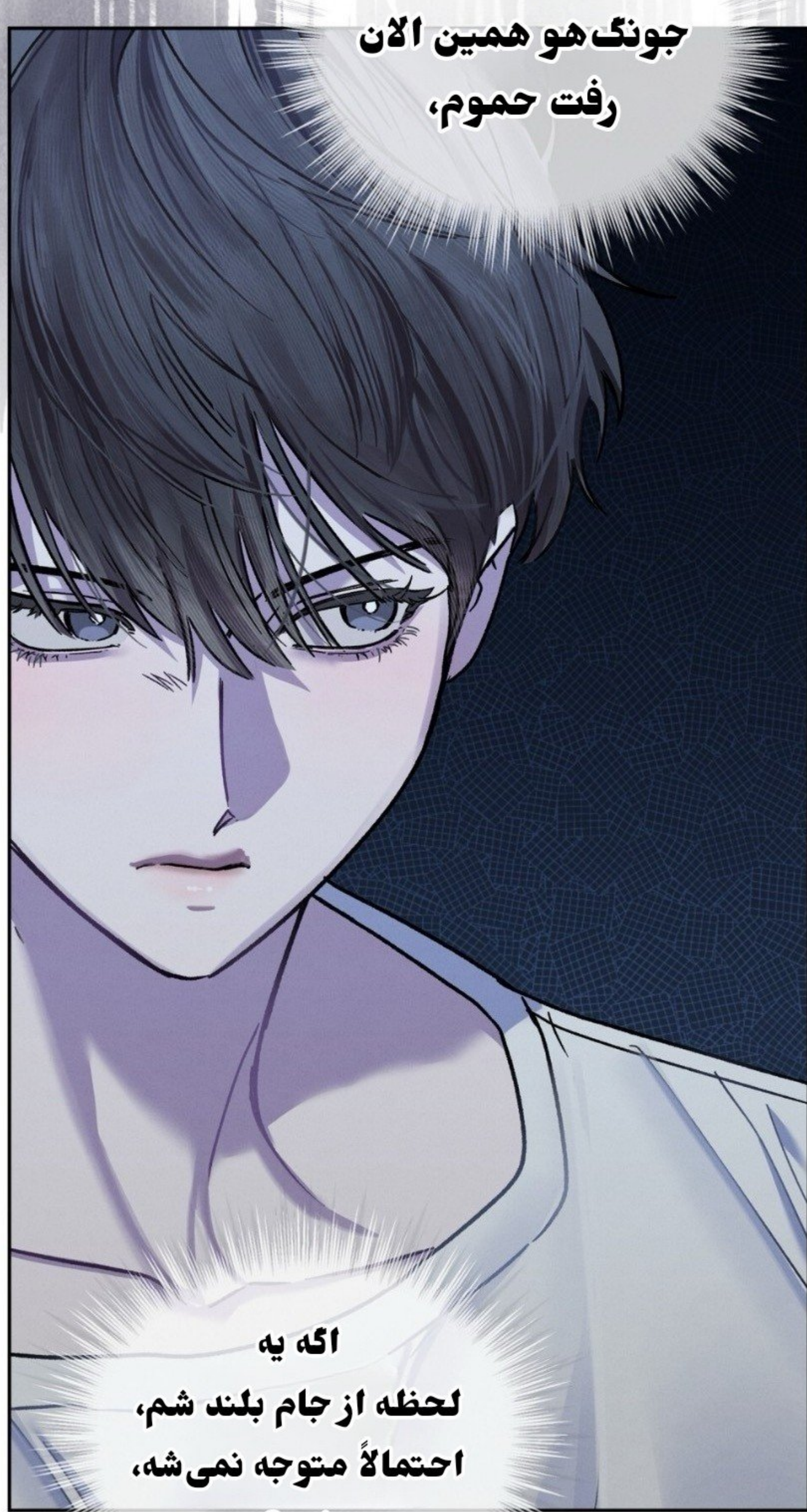
نه که مو جونگ هو کار  
خاصی انجام داده باشه،

ولی همین  
که باهاش تویه اتاق باشم  
باعث میشه دست و پامو  
کم کنم...!



تازه...

گشتم هست...!



چون مو  
جونگ هو همین الان  
رفت حموم،

اگه به  
لحظه از جام بلند شم،  
احتمالاً متوجه نمی شه،  
نه...؟



바  
다  
다



قبله دیده  
بودم که آشپزخونه  
کجاست،

اگه یکی دوتا  
میوه بخورم و برگردم  
مشکلی پیش نیاد،  
هوم...؟

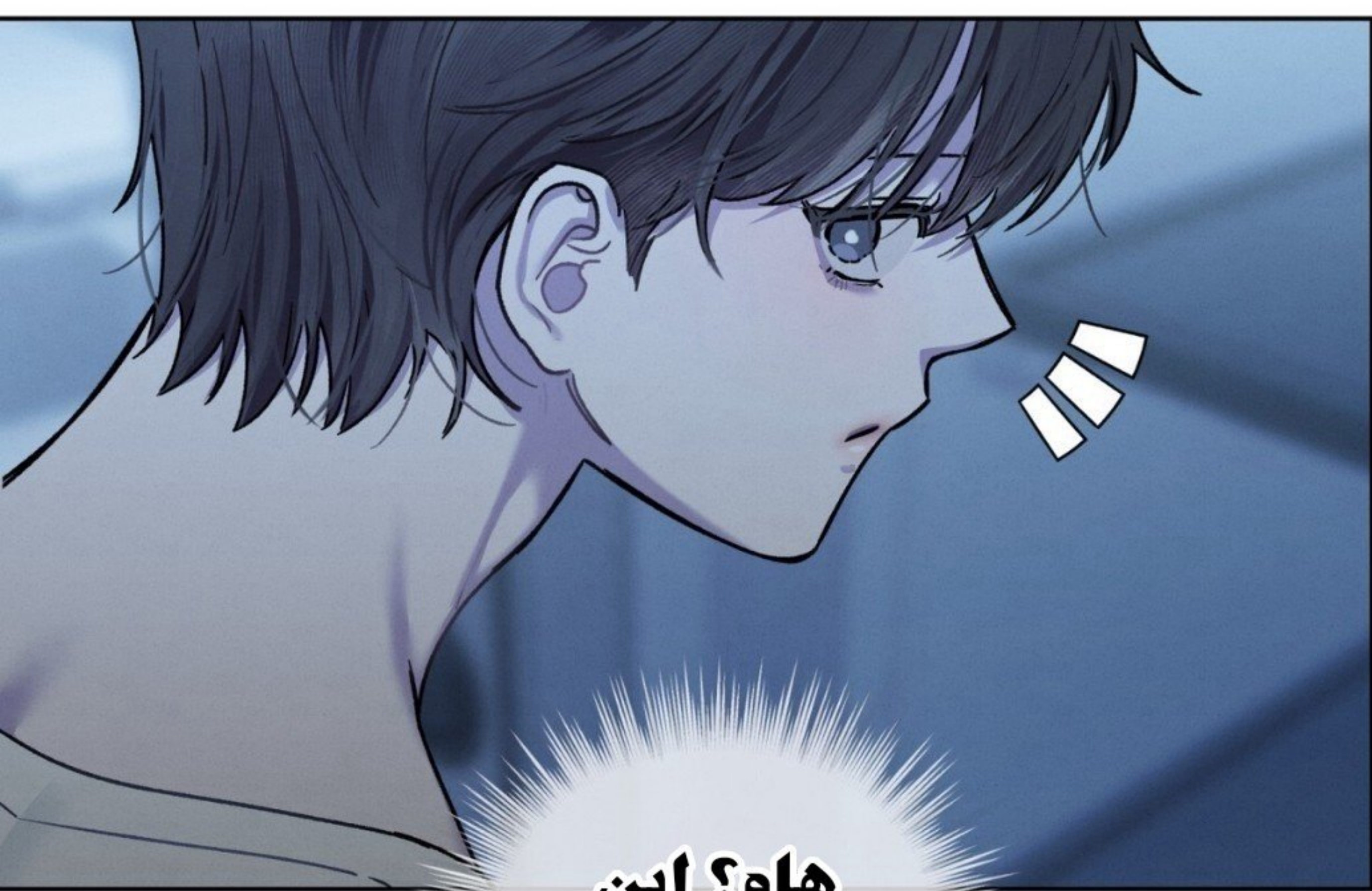


راستی مو  
جونگ هو از سیب  
خوشش میاد...

احتمالاً  
چندتا از اون سیب های  
مورد علاقه اش اینجا  
هست.



سیب...!



هاه؟ این

که...



واای...!!!



این  
باقی مونده  
شامه؟

반짝

쿵

반짝

واای، سوشی  
خاویاری که اون دفعه  
نتونستم بخورم هم  
اینجاست.

از اونجایی  
که باقی مونده‌ی شامه  
اشکال نداره اگه یکم  
ازش بخورم؟



خیلی...  
خوشمزه ست!

هووم فقط یه  
دونه دیگه...!

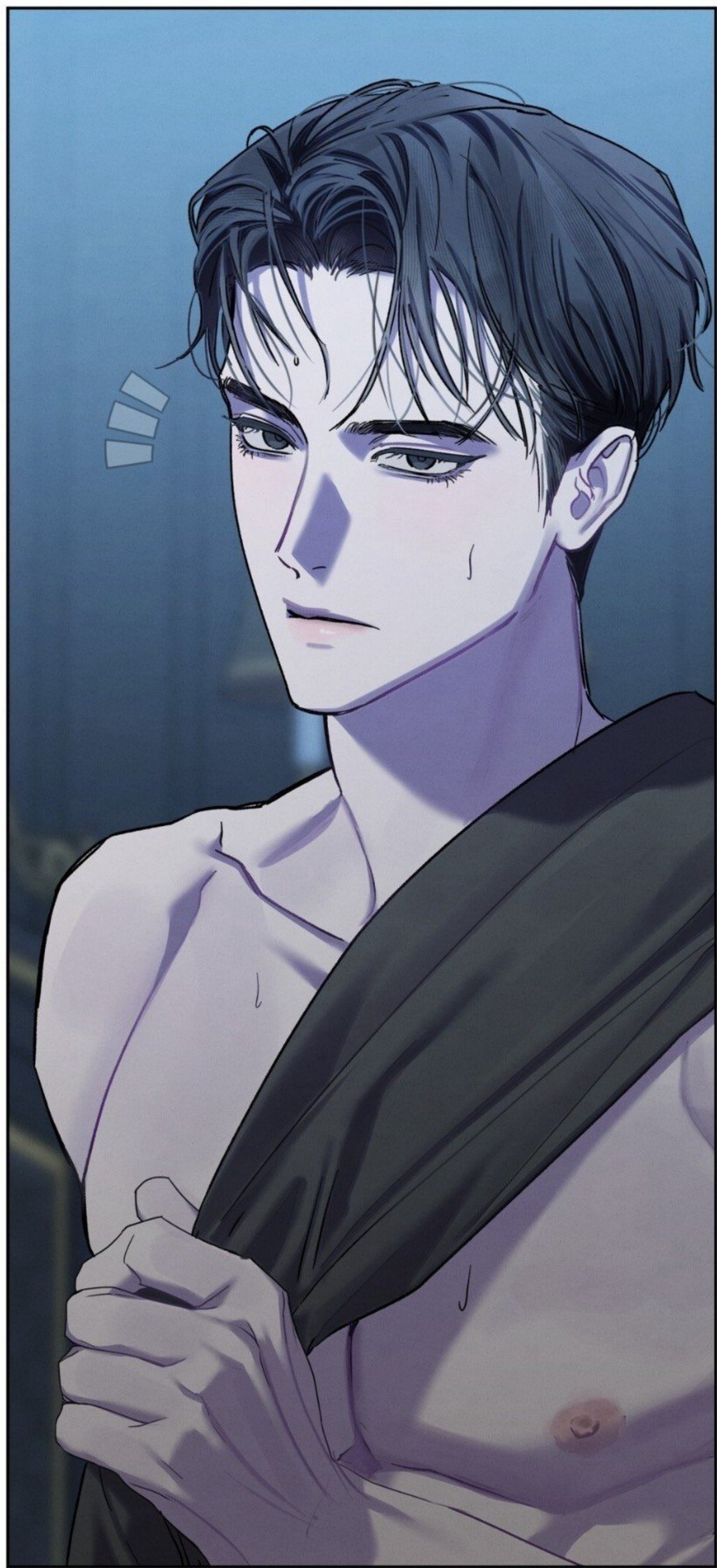
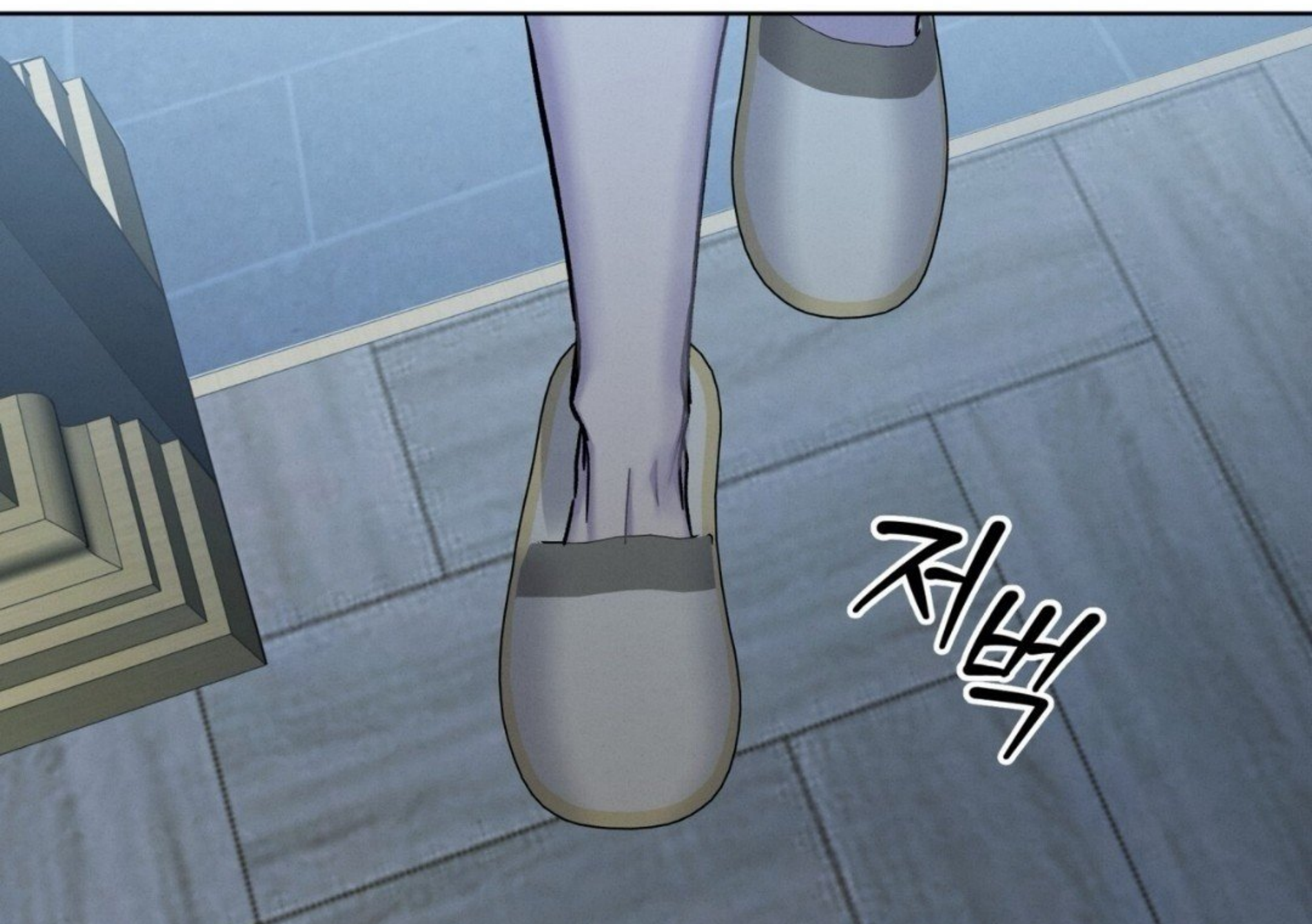


اینم به  
نظر خوشمزه  
میاد...!

واو، اینم  
همینطور!

...به نظر  
نمیاد خیلی کم شده  
باشه، نه؟







دنگ  
دنگ  
دنگ



دنگ  
دنگ

فردا رو شتر فکر  
کنم دستمو خونده  
باشم...

فردا هم باید  
یواشکی برم آشپزخونه  
و شام بخورم.



ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)